روایت ابوالحسن داوودی از یک روز

چگونه پای «سینما» به تقویم باز شد؟

بهناز شیربانی

روز ملی سینما برای اولین‌بار در بهمن ۷۸ اعلام شد. سرانجام چهارمین جشن بزرگ سینمای ایران سال ۱۳۷۹ در روز ۲۱شهریور مقارن با ایام بزرگداشت صدمین سالگرد حیات سینمای ایران در مجموعه ورزشی انقلاب برگزار شد. اما در تقویم رسمی سال ۹۱ در مقابل ۲۱شهریورماه عبارت روز ملی سینما حذف شد که واکنش‌های بسیاری را در پی داشت. خرداد امسال حجت‌الله ایوبی رییس سازمان سینمایی در نامه‌ای به دبیر شورای فرهنگ عمومی، از وی خواست تا بازگشت روز ملی سینما به تقویم رسمی کشور محقق شود. امسال، این روز در تقویم درج نشد؛ با این حال گویا قرار است سال ۹۴ به تقویم بازگردد. همزمان با روز ملی سینما ابوالحسن داوودی درباره چگونگی نام‌گذاری این روز و مشکلات سینمای ایران گفت‌وگو کردیم:

■ سال‌های پیش تلاش‌های جمعی شماری از سینماگران در پایداشت روز ملی سینما، منجر به شکل‌گیری و برگزاری جشنی در روز خاصی از سال شد که تا سال‌های بعد ادامه پیدا کرد. چه زمانی به شکل‌گیری روزی به نام روز ملی سینما فکر کردید؟

زمانی که زنده‌یاد سیف‌الله داد در معاونت سینمایی مشغول به کار بود و من در حاله سینما مسوولیتی داشتم، پیشنهاد نام‌گذاری روزی به نام روز ملی سینما از سوی معاونت مدیره خانه سینما مطرح شد و در شورایعالی فرهنگ ملی مطرح شد و روزی به این نام شکل گرفت. این جشن و اتفاق در سال‌های متوالی ادامه پیدا کرد تا اینکه آقای احمدی‌نژاد تصمیم گرفتند این روز را از تقویم رسمی کشور حذف کنند.

■ چرا روز بیست‌ویکم شهریور به نام روز ملی سینما نام‌گذاری شد؟ یا چرا روز بیست‌وپنجم شهریور به نام روز ملی سینما نام‌گذاری شد؟

آن زمان موضوع مهمی در ارتباط با برگزاری این جشن برای ما مطرح بود؛ اینکه جشنی که از سالیان قبل پایه‌های برگزاری‌اش ریخته شده بود باید در روزی معین از سال برگزار می‌شد که بیشترین تولیدات سینمای ایران را می‌توانست دربر گیرد. در شش‌ماه نخست سال شاهد بیشترین تولیدات سینمایی هستیم و قطعا باید جشن در زمانی برپا می‌شد که بتوان حاصل این فعالیت را قضاوت کرد ما جشن سینما در کشور کم داریم. در طول این سال‌ها هم شاهد این موضوع بودیم که سلیقه‌های سیاسی روی جشنواره فجر تاثیر جدی گذاشته. هرچند در برخی مواقع نکات مثبتی به آن اضافه کرده و گاهی زمینه‌ساز پیدایش نکات منفی شده است.

زمانی که قرار بود روزی را به عنوان روز ملی سینما مشخص کنیم، بیشتر به فکر برگزاری یک جشن مستقل و خلوع از وابستگی‌ها و سلیقه‌های سیاسی بودیم تا جشنی برگزار شود که در آن روز سینما حرف اول را بزند. تقویم را جست‌وجو کردیم و در محدوده شش‌ماهه اول سال، روزی را در اواخر شهریور مشخص کردیم که فکر کردیم بهترین زمان ممکن برای ارزیابی تولیدات سینمای ایران به شکل آکادمی است که حقیقتا می‌توان آن را روز ملی سینما نامید.

■ طی دو-سه‌سال گذشته، تصمیم‌گیری مدیران فرهنگی سیب‌ساز بروز اتفاقات عجیبی در سینمای ایران شد و روز ملی سینما نیز دستخوش همین اعمال‌نظرهای شخصی شد. به طوری که این روزها بسیاری در تکاپوی بازگرداندن روز ملی سینما به تقویم هستند. نظر شما در این رابطه چیست؟

شرایطی که در دوحوزه دولت پیشین در مدیریت فرهنگی شاهد بودیم تا حدی تحت تاثیر سلیقه‌های سیاسی بود. بسیاری از این سلیقه‌ها به‌گونه‌ای بود که رویکرد سینما طی سه‌دهه بعد از انقلاب را نمی‌پسندید و تصمیماتی گرفتند که به سبب آن صورت‌مساله را پاک کنند. تفرقه‌های درون‌صنفی، برخودرهای دولتی با سینماگران، بسته‌شدن خانه سینما و در آخر حذف‌شدن نام روز ملی سینما از تقویم از جمله همین اعمال‌نظرهای سلیقه‌ای بود. واقعیت این است که اگر سلیقه‌های سیاسی ادامه پیدا می‌کرد، از جنس سینمایی که در این سه‌دهه برای سینمای کشورمان افتخار آفریدند، نام و نشانی باقی نمی‌ماند و صرفا با یک سینمای سفارشی و تبلیغی که حیاتش وابسته به دولت است، مواجه بودیم.

خوشبختانه با تغییر دولت و البته تغییر مدیران فرهنگی باعث شده این حس به وجود بیاید که هرچه با سینما مهربان‌تر باشیم، نتایج بهتری خواهیم گرفت. تجربه مدیران فرهنگی دولت گذشته در تصمیم‌گیری‌هایشان نشان داد هر چقدر سینماگران نادیده گرفته شوند، تاثیر منفی آن به کسانی که باعث و بانی این ماجرا شده‌اند، برمی‌گردد. بنابر این می‌بینید از بدبینیاتی که در مدیران فرهنگی دولت گذشته وجود داشت، نه‌تنها نام و نشانی باقی نمانده است، بلکه اثرات تخریبی آن همچنان ادامه دارد. فکر می‌کنم جریان دولتی این را متوجه شده است که هرچه با سینما مهربان‌تر برخورد کنند، اهالی سینما احساس مسوولیت‌بیشتری می‌کنند.

■ از نظر شما، عمده‌ترین مسایلی که باعث شده، سینمای ما طی چندسال اخیر دچار بحران شود، چیست؟

اعتمادنکردن به سینماگران یکی از مشکلات بزرگی است که سبب ایجاد اتفاقات بدی در بدنه سینما شده است. طی چندسال گذشته سینماگران را غیرخودی پنداشتند. سینماگران اصول کلی که باید به آن پایبند باشند را می‌دانند اما از اینکه این اصول از جایی به آنها دیکته شود و اینکه با آنها به عنوان ابزار نگاه شود، رفتار شایسته‌ای نبود. از طرف دیگر طی چندسال گذشته شاهد ساخت آثار سفارشی بودیم که نه به درد دنیا می‌خورد و نه آخرت. آثاری در فرایلی با حوزه هنری تولید شد که به‌زودی به فراموشی سپرده می‌شوند و اگر معدود آثار ماندگاری هم وجود داشته با شرایط تهدیدی که در مقابل آن وجود داشته، نتوانسته با مخاطبش ارتباط برقرار و آن را حفظ کند و این رفتار به همان اندازه عدم مسوولیت سینماگران را در پی داشته است. طبعا بدنه سینما زیرکرتر از بدنه سیاست است. تولیدهای سیاسی در مقابل سینماگران همیشه تاثیرات معکوس و نتایج نامطلوبی در پی داشته است.

محمدمهدی عسگرپور روایت کرد

سینما و منازعات سیاسی

کیانا آذر: محمدمهدی عسگرپور در صحبت‌هایش بارها از شرایط سختی که طی چندسال گذشته به سینمای ایران گذشته، صحبت کرده و سینماگران را به همدلی بیشتر برای رفع موانع و بحران‌ها دعوت کرده است. او معتقد است جامعه سینمایی به بلوغی رسیده که نمی‌توان از آن جشن‌پوشی کرد.

■ سینمای ایران طی چندسال اخیر روزهای پرفرازونشیب زیادی را طی کرده است. گاهی برخی از تصمیمات درباره این حوزه آن را با چالش‌هایی که شاید حتی موانع کرده است که شاید حتی برای آنها نیاز به زمان زیادی هم داشته باشد. به نظر شما مهم‌ترین موضوعات و چالش‌هایی که در سینما در حال حاضر وجود دارد، چیست؟

یک نکته به روال غیرطبیعی تبدیل شده و آحاد برمی‌گردد. در واقع حضور دولت در تمام این سال‌ها با تمام اوج‌وحضیض‌اش در سینما اتفاقاتی را به وجود آورده است. برخی سال‌ها رفتار دولت با تولید و اکران رفتار بدی نبوده و در برخی از سال‌ها هم رفتار خوبی نبوده. اصل موضوع محل بحث است که ذات سینما این نوع رفتار را برنمی‌تابد و بهتر است رفتار دیگری برای اداره سینما اندیشیده شود. بنابراین برخی از مشکلات ما به رفتار غیرطبیعی در تولید و اکران برمی‌گردد. اگر بخواهم این موضوع را باز کنم، به این معناست که حضور دولت معمولا معادلات تولید و اکران را به‌هم می‌زند. گاهی است ما در دورای با دولت‌مردن غیرلزوما مواجه شویم که نگاه مثبتی به مجموعه سینما نداشته باشند و در آن زمان این فرمول معمولا ویرانگر عمل می‌کند. طی چندسال گذشته هم اختلافات دوش‌خواده سینما بیشتر شد که به نظر من ریشه آن را اساسا باید در حوزه تهیه‌کنندگی و پخش جست‌وجو کنیم و کمتر در حوزه‌های دیگر وجود دارد. هرچند مشکلات این بخش نیز به حوزه سرمایه‌گذاری و پیچیدگی‌های اکران در سینما برمی‌گردد. این نکته مهمی است که از قبل هم وجود داشته. اما طی چهارسال گذشته این موضوع رنگ‌وبوی خاصی به خودش گرفت و باعث شد بخش عمده‌ای از عاقله‌مندان سینما به‌خاطر همین اختلافات، قدری خودشان را کنار بکشند و فکر کنند در یک محیط پرسوءتفاهم کار می‌کنند.

■ به جز حوزه تولید تا چه حد سینمای ایران در انتخاب سوژه و مضامین دچار مشکل است؟

بعد از ورود دیجیتال به حوزه سینما، مدلی از ساده‌انگاری در حوزه تولید شکل گرفت که با آن، رخوت فیلمی که در سینما وجود داشت، معجون جدیدی ساخت آن رخوت برمی‌گشت به اینکه در حوزه تولید، با آثاری ساده و سبک از جهت سرمایه‌گذاری مواجه بودیم، به این دلیل که تضمین بازگشت سرمایه خیلی وجود نداشت. ورود تکنولوژی دیجیتال به تولید و اکران رخوت بیشتر کمک کرد و باعث شد بخش عمده‌ای از تولیدات ما به سمت تولید آثاری بروند که می‌توانست در تلویزیون ساخته شود، برعکس تولیدات اکثر نقاط دنیا که ورود تکنولوژی جدید باعث شد که عرصه‌های جدیدی فتح شود.

■ به نظر شما چرا حضور سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی به مرور کمرنگ‌تر می‌شود؟

اتفاقی که به آن اشاره کردم، تاثیر نامطلوب خودش را در بازارهای جهانی هم گذاشت. ذکر توقعی که از سینمای ایران در بازارهای جهانی دارند، تولیدات عجیب‌وغریب نیست. تنبلی و رخوتی که به آن اشاره کردم، فقر مضامین را هم به دنبال داشته و باعث شد ما در حوزه مضامین تهی شویم و جایگاهمان را در جشنواره‌های جهانی از دست دهیم. هرچند منازعات داخلی هم، در از دست‌دادن جایگاهمان در جشنواره‌های خارجی بی‌تاثیر نبود. هنوز هم در مورد حضور سینمای ایران در خارج از کشور اما و اگرها و سوءتفاهم زیاد است و به‌نوعی محل منازعات سیاسی شده است. در صورتی که کارکرد حضور سینمای ایران در بسیاری از جشنواره‌ها، آن چیزی نیست که اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم. خیلی از فیلم‌ها ممکن است در کشور ما سیاه‌نما تلقی شود. در صورتی که در جشنواره‌های خارجی به عنوان یک پدیده عادی با آن برخورد می‌کنند. بسیاری از کارمندان در تولیدات سینمایی‌مان با مشکلات اجتماعی خیلی صریح و تندونیز برخورد می‌کنند.

در این میان، گلهی دولتمردان نوشته‌اند از حضور در جشنواره‌های خارجی دفاع کنند و برخی مواقع موفق نبوده‌اند تا از موانع کلی حضور سینمای ما در جشنواره‌های خارجی دفاع کنند. حتی گاهی هم به جای فرستادن فیلم‌های خوب، فیلم‌هایی به جشنواره‌های خارجی فرستاده‌اند که به‌نوعی فقط کارکرد تبلیغاتی داشته است.

البته مشکلات بزرگ‌تری هم در حوزه حضور بین‌المللی داشتیم و آن این است که از قدیم انگیزه حضورمان در بازارها به‌سرآب کمتر از جنوزها بوده. دلیلش هم به این برمی‌گشت که سیستم حمدوا دولتی یعنی بنیاد فارابی این حوزه را بیشتر ساماندهی می‌کرد. انگیزه بنیاد فارابی بیشتر حوزه رخوت بیشتر کمک کرد و باعث شد بخش عمده‌ای از تولیدات ما به سمت تولید آثاری بروند که می‌توانست در تلویزیون ساخته شود، برعکس تولیدات اکثر نقاط دنیا که ورود تکنولوژی جدید باعث شد که عرصه‌های جدیدی فتح شود.

■ به نظر شما چرا حضور سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی به مرور کمرنگ‌تر می‌شود؟

اتفاقی که به آن اشاره کردم، تاثیر نامطلوب خودش را در بازارهای جهانی هم گذاشت. ذکر توقعی که از سینمای ایران در بازارهای جهانی دارند، تولیدات عجیب‌وغریب نیست. تنبلی و رخوتی که به آن اشاره کردم، فقر مضامین را هم به دنبال داشته و باعث شد ما در حوزه مضامین تهی شویم و جایگاهمان را در جشنواره‌های جهانی از دست دهیم. هرچند منازعات داخلی هم، در از دست‌دادن جایگاهمان در جشنواره‌های خارجی بی‌تاثیر نبود. هنوز هم در مورد حضور سینمای ایران در خارج از کشور اما و اگرها و سوءتفاهم زیاد است و به‌نوعی محل منازعات سیاسی شده است. در صورتی که کارکرد حضور سینمای ایران در بسیاری از جنوزها، آن چیزی نیست که اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم. خیلی از فیلم‌ها ممکن است در کشور ما سیاه‌نما تلقی شود. در صورتی که در جشنواره‌های خارجی به عنوان یک پدیده عادی با آن برخورد می‌کنند. بسیاری از کارمندان در تولیدات سینمایی‌مان با مشکلات اجتماعی خیلی صریح و تندونیز برخورد می‌کنند.

در این میان، گلهی دولتمردان نوشته‌اند از حضور در جشنواره‌های خارجی دفاع کنند و برخی مواقع موفق نبوده‌اند تا از موانع کلی حضور سینمای ما در جشنواره‌های خارجی دفاع کنند. حتی گاهی هم به جای فرستادن فیلم‌های خوب، فیلم‌هایی به جشنواره‌های خارجی فرستاده‌اند که به‌نوعی فقط کارکرد تبلیغاتی داشته است.

البته مشکلات بزرگ‌تری هم در حوزه حضور بین‌المللی داشتیم و آن این است که از قدیم انگیزه حضورمان در بازارها به‌سرآب کمتر از جنوزها بوده. دلیلش هم به این برمی‌گشت که سیستم حمدوا دولتی یعنی بنیاد فارابی این حوزه را بیشتر ساماندهی می‌کرد. انگیزه بنیاد فارابی بیشتر حوزه رخوت بیشتر کمک کرد و باعث شد بخش عمده‌ای از تولیدات ما به سمت تولید آثاری بروند که می‌توانست در تلویزیون ساخته شود، برعکس تولیدات اکثر نقاط دنیا که ورود تکنولوژی جدید باعث شد که عرصه‌های جدیدی فتح شود.

■ به نظر شما چرا حضور سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی به مرور کمرنگ‌تر می‌شود؟

اتفاقی که به آن اشاره کردم، تاثیر نامطلوب خودش را در بازارهای جهانی هم گذاشت. ذکر توقعی که از سینمای ایران در بازارهای جهانی دارند، تولیدات عجیب‌وغریب نیست. تنبلی و رخوتی که به آن اشاره کردم، فقر مضامین را هم به دنبال داشته و باعث شد ما در حوزه مضامین تهی شویم و جایگاهمان را در جشنواره‌های جهانی از دست دهیم. هرچند

بازخوانی تاریخ سینمای ایران به مناسبت روز ملی سینما

چیزی نیست به آن ببالیم

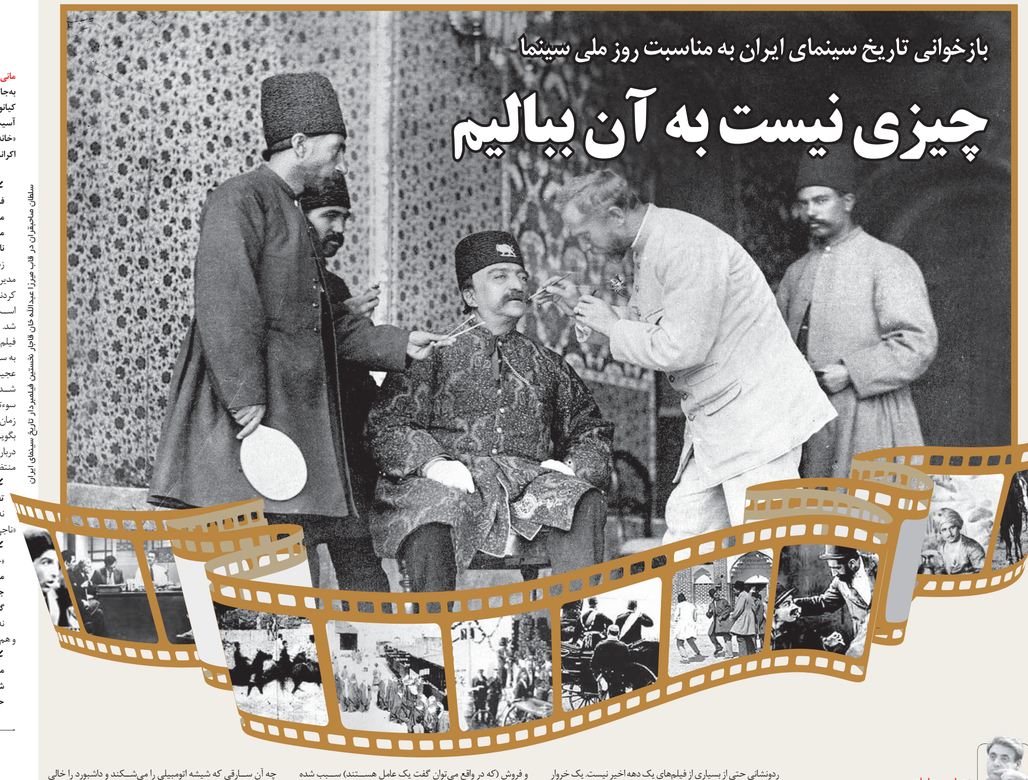

سلطان صاحب‌قران در قاب میرزا عبدالله خان قاجار، نشستین فیلمبردار تاریخ سینمای ایران

عباس بهارلو
مورخ و پژوهشگر سینما

۱ می‌خواهم درباره گوشه‌های پنهان و تاریک‌مانده تاریخ سینمای ایران تحقیق کنم؟ در اغلب موارد سند و منابع زیادی که به آن بیالیم وجود ندارد. عمدتا بی‌سواد هستند یا تک نفاز از روی دست همدیگر، تکرار غلط. فراوان هست اما کمتر روایت کامل و دقیقی درباره بسیاری از رویدادهای تاریخ سینمای گشته‌مان داریم. به‌نفرت روایت دو شاهد عینی یا هم همخوانی دارد؛ به‌نفرت بر سر سال تولد و تاسیس و مرگ و نابودی یک آدم، یک مکان یا یک رویداد تاریخی سند دست اول در اختیار داریم. گاهی درباره رویدادهای زندگی یک آدم پیش از تولدش قلم‌فرسایی شده است و گاهی درباره آدمی گرفتن یک سینما قبل از بناشدنش بسیار نوشته‌اند. آنقدر تاریخ این سینمای مفلوک، در بسیاری موارد بد و بلاوه وارد شده که حتی باعث‌اعتبار این سخن نغز «تاریخ بیهقی» هم می‌تواند شک کرد! آنجا که می‌گوید: «اخبار شنیده را دو قسم گویند و آن را سه دیگر نشانند؛ یا از کسی بیاید شنید، یا از کتابی بیاید خواند، بنابراین با مقدمه این‌دلمون؛ بیش‌تر می‌شود موافق بود وقتی می‌نویسد: «باید دانست که فن تاریخ را روشی است که هر کس بدان دست نیابد».

۲ می‌خواهم «فیلمشناخت» فیلم‌های یک دهه اخیر را به روال کاری که درباره فیلمهای ۱۳۰۹ به این سو انجام داده‌ای، تالیف کنی؟ در اغلب مورد نهاد باسخگویی که به آن بیالیم وجود ندارد هیچ روشنائی حتی از بسیاری از فیلم‌های یک دهه اخیر نیست. یک خروار فیلم ساخته شده که نه در سینماها به‌نمایش عمومی درآمده‌اند یا «شبکه نمایش خانگی» پخش شده‌اند که کارگردان جوانش را می‌شناسی، نه سرانغی از دفتر و دستک تهیه‌کننده غیرحرفه‌ای‌اش داری، نه در ادرای که مجوز ساخت فیلم را صادر کرده آدم مسوولی پیدا می‌شود که راهنمایی و همکاری کند نه اساسا کسی دلش برای ثبت چنین اطلاعاتی بریر می‌زند. نتیجه اینکه یک کتاب مرجع ۱۰۰ ماه برای پیدا کردن عنوان بیش‌تر ۱۰۰ فیلم، که خیلی هم ارزش خوبی ندارند، معطل می‌ماند! ارزیاب من هم، فرسوده می‌شوی و گاهی فکر می‌کنی که این همه سال چه وقتی تلف کردمای.

۳ می‌خواهی کتابت را برای انتشار به ناشر بسپاری؟ در اغلب موارد تیراژ اینها به خیل کتابخوان‌هایی که به آنها بیالیم وجود ندارد. وقتی کتاب و کتابخوانی اسفبار است، چه کتاب‌های سینمایی و چه غیرسینمایی. تقریبا در دوده اخیر با هر آدم دست‌اندرکار نشر که صحبت شود از کاهش تیراژ و افزایش قیمت پشت‌جلد کتاب می‌گوید. در ماه‌های اخیر هم ماجرایی پیش آمده که باز هم تیراژ را پایین و قیمت پشت جلد را بالا برده است. همین‌جا اشاره کنم که اگر تیراژ (چه کتاب و چه مجله) به‌جای آنکه آفت کند، سبز صعودی داشته باشد، یعنی خواننده‌ای پیدا شود که کتاب و مجله بخواند، افزایش هزینه‌ها، بازار نشر را روانی نخواهد انداخت اما کاهش سبز محسوس کتابخوانی، دست‌کم در دو دهه اخیر سبب شده که تیراژ کتاب و مجله، به‌رغم افزایش جمعیت کشور، افت شدیدی داشته باشد و بازار نشر به‌شدت اسب‌بیریز شود سه عامل کاهش مطالعه، تیراژ و فروش (که در واقع می‌توان گفت یک عامل هستند) سبب شده این روزها بازار نشر در برابر افزایش صدرصدی قیمت کاغذ، نسبت به چند ماه گذشته سر خم کند و کارمندی را می‌زند و حقوق یک‌ماه او را به جب خود می‌زند؛ چه آنجا که فیلم فلان تهیه‌کننده را هنوز بنمایش عمومی درنیامده تکثیر و پخش می‌کنند، و چه آن مزدان اقتصادی ذه‌درشتی که همواره گفته می‌شود ناپمان برای عموم افشا می‌شود و نمی‌شود. این به‌عنوان مقدمه اگر کتاب‌های مرجع یک صوف رفت زیاد و لغزی جاگاه تالیف می‌شوند در این جستار عدای سودجو و عاقبت‌طلب که نه می‌دانند تحقیق و پژوهش چیست و نه اینکه بعید می‌دانم در عمرشان ۵۰،۴۰ فیلم دیده یا همین تعداد کتاب خوانده باشند، کتاب‌های مرجع را جلوشان می‌گذارد و با وقیسی از آنها لوم‌های فشرده می‌سازند و بار ارزش عرضه می‌کنند. بار در سایت‌های سینمایی نهادهای دولتی و خصوصی به کرات استفاده می‌کنند بدون آنکه زحمت گرفتن اجازه به‌خودشان بدهند یا داده باشند! اگر هم قرار باشد کارشان را «تقوی» پیش ببرند لیاقت دارند؟ نمی‌گویم که برای انجام «کار فرهنگی» به آنها اجازه داده شود از اطلاعات این کتاب‌ها مفت و مجانی برای «نم‌افزاری سینمایی» استفاده کنند و اگر مخالفت کردی پیغام می‌فرستند که ما تغییراتی در فصل و فاعل جمله‌های کتاب؛ کار فرهنگی‌شان را به‌تمر می‌رساند. بعد می‌گویی معطل نه که وقت برای شکایت و شکایت‌گیری‌داری و نه اگر شکایت کردی کسی به «دادت» خواهد رسید.

۵ در اغلب موارد جیز زیادی به آن بیالیم وجود ندارد.. به همین‌سادگی.

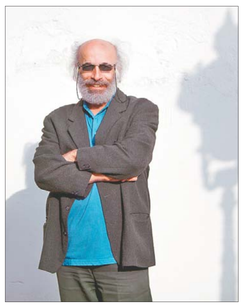

مانی شجاعی

خوانندگان خواه، برخی از فیلم‌ها با وجود فشارها و ممانعت‌ها به‌جای اینکه فراموش شوند، صیقل می‌یابند، «خانه پدری» به کارگردانی کیانوش عیاری از همین‌دست فیلم‌هاست که با انگشت‌گذاشتن بر آسیب‌های فرهنگی‌مان توانسته به زبان سینما فیلمی ماندگار شود. اما «خانه پدری» در پیچ‌وخم سوءتفاهمات همچنان گرفتار شده و تکلیف اکرانش معلوم نیست. با کیانوش عیاری در این‌باره گفت‌وگو کردیم:

■ «خانه پدری» از فیلم‌های خوب این سال‌هاست که در جشنواره فیلم فجر در بخش غیررقابتی به نمایش درآمد. با اینکه بیشتر منتقدان نگاه مثبتی نسبت به این فیلم داشتند، اما ممانعت مشکلات گریبان فیلم را گرفت و باعث شد سرنوشت آن تا امروز نامعلوم شود. بالاخره سرنوشت فیلم چه خواهد شد؟

زمانی که فیلم اشیح کرده را ساختم، به علت سوءتفاهماتی که مدیران وقت سینما نسبت به فیلم داشتند و تعبیر نادرستی از فیلم کردند، گفتند «شیح کرده» سینمای بعد از انقلاب را به سخره گرفته است. متاسفانه با همین مستمسک، فیلم در زمان خودش قربانی شد. سال‌ها بعد فیلم «آبادی‌ها» را ساختم، آن زمان هم مسوولان از فیلم سوءبرداشت کردند و به فیلم لگد ضدجنگ زدند. آن فیلم هم به سرنوشت فیلم قبلی دچار شد. از فیلم «بودن و نبودن» هم تفاسیر عجیب‌وغریبی شد و دست‌آخر به سرنوشت فیلم‌های قبلی مبتلا شد. حالا هم نوبت «خانه پدری» است. در تمام این سال‌ها هرگز این سوءتفاهمات و تفاسیر را درک نکرده‌ام و واقعا نمی‌دانم چرا فیلم‌ها در زمان خود مورد هجوم واقع می‌شوند. حالا درباره «خانه پدری» باید بگویم سوءتفاهم‌ها، برداشت‌های ذهنی و تصاویر عجیب و غریبی که درباره فیلم گفته و نوشته را اصلا نمی‌دانم چه مبنایی دارد. فقط منتظر هستم بالاخره روزی مدرسان فیلم پیدا شود.

■ با توجه به اینکه تمام مالکیت فیلم به شما واگذار شد، باز هم تغییری در سرنوشت فیلم به وجود نیامد؟

نه اصلا فقط همان ۵۰درصد سهم شراکت فیلم که متعلق به شرکت «تاجی هنر» بود، به من واگذار شد. اما سرنوشت فیلم هم تغییر نکرد.

■ آقای ایوبی رسما در نشست مطبوعاتی خود درباره فیلم «خانه پدری» اعلام‌نظر کرد و گفت قرار است نشستی مشترک میان کارگردان فیلم «خانه پدری» و تعدادی از روانشناسان و جامعه‌شناسان خبره برگزار کنیم تا بعد از دیدن فیلم درباره آن گفت‌وگو کنیم. آیا تاکنون چنین نشستی برگزار شده است؟

نه. تاکنون برگزار نشده است و من از این اتفاق، هم استقبال می‌کنم و هم منتظر آن هستم.

■ آن‌گونه که درباره فیلم گفته شده، یکی از چالش‌های فیلم مربوط به صحنه کشتن دختر توسط پدر با سنگ است که اگر حذف شود، مشکل آن حل خواهد شد. تفترتان درباره‌اش چیست؟ آیا حاضرید با حذف این پلان‌ها امکان نمایش «خانه پدری» فراهم شود؟

من نه آدم مقلومی هستم و نه علاقه‌ای دارم خودم را مقاوم نشان دهم. واقعیت این است که صحنه‌های قتل در فیلم، تمام هستی «خانه پدری» است و تمایلی ندارم که با حذف و درآوردن آن صحنه‌ها، کاری کنم که فقط افسردگی و ناکامی برایم باقی بماند. مگر می‌شود «هستی» یک فیلم را حذف کرد و بعد فقط دیگر پلان‌های فیلم را که در ارتباط با آن هستند آن هسته مرکزی است در فیلم گذاشت؟ بگذارید به نکته‌ای اشاره کنم. چندشب پیش در یکی از قسمت‌های سریال تلویزیونی «انقلاب زیبا» با صحنه‌هایی موحش روبه‌رو شدم که از یک رساله فراگیر و نیرومند مانند تلویزیون بعید به نظر می‌رسید. پخش صحنه‌هایی مانند سوزن‌زدن زیر ناخن فراتر از تحمل انسان است. نمایش آن برای هیچ‌کس خوشایند نیست و گاهی اوقات استمرار این پلان‌ها چندش‌آور به نظر می‌رسید. درعین حال طولانی‌شدن این پلان‌ها برایم شگفت‌انگیز بود. البته برخی‌ها ممکن است به این جمله من معترض شوند و پاسخ دهند که تاثیر صحنه‌های فیلم «خانه پدری» بیش از سریال «انقلاب زیبا» است. اما واقعیت این است که در این مورد هیچ منر و معیاری وجود ندارد که ملاک قرار دهیم و بگوییم تاثیر کدام‌یک قوی‌تر از دیگری است. منتها یادآور می‌شوم من شخصا معترض به این پلان‌ها نیستم. چون حتما کارگردان سریال «انقلاب زیبا» چنین چیزی را تشخیص داده و مسیر داستان و فیلمنامه اقتضا می‌کرده که چنین نماهایی در سریال گنجانده. منتها بحث اصلی من این است که هر فیلم داستان و فیلمنامه‌ای دارد و اگر صحنه‌هایی در فیلم وجود دارد، حتما ضروری است که باشد و به‌راحتی نمی‌توان صحنه‌های فیلم‌ها را بنابر سلیقه افراد حذف یا اضافه کرد.

■ با این حال اگر مشکل فیلم حل شود، اکران آن چه زمان میسر خواهد بود؟

هیچ چیز مشخص نیست. اما امید دارم با دریافت مجوز نمایش بتوان فیلم را در گروه «هنر و تجربه» اکران کرد.

■ در روز ملی سینما هستیم. شما از دهه ۵۰ و از سینمای آزاد تا امروز در سینما حضور داشتید و با فیلمسازی مختص خودتان بخشی از تاریخ سینمای ایران را تشکیل دادید. در این مدت فضای فرهنگی، اجتماعی جامعه دستخوش تحولات زیادی شده. چه درس‌هایی از تاریخ گرفته‌اید؟

بر این باورم که سینما نیرومندترین رسانه است. با منه سینما می‌توان به اعمالی دست‌نیافتنی رفت. جدا از بحث تاثیرگذاری، وجه مثبت و منفی این تاثیر را هم باید در نظر گرفت. از یک‌سو همان‌قدر که در جهت تنویر افکارعمومی می‌تواند دامن بزند، بدون اینکه گل‌درشت به نظر برسد، به همان میزان هم می‌تواند در تحمیق مردم موثر باشد. این رسانه تیغ دودمی است که گاهی اوقات می‌تواند وحشتناک و هولناک باشد و حتی به مرز سوءاستفاده برود. به همین دلیل گاهی اوقات می‌توان به بهانه ثروت‌اندوزی و... از این رسانه سوءاستفاده کرد. از این جهت افرادی که به وجه منفی سینما ورود پیدا نمی‌کنند، به نظرم انسان‌های پاک‌نهادی هستند. البته نمی‌خواستم سخنگیرانه صحبت کنم، ولی گاهی دشواری و شرایط سخت فیلمسازی تا حدودی بسیاری از تن‌دادن‌ها را موجه می‌کند. اما در این مسیر هم باید خطوط قرمز را در نظر گرفت. چون در آن صورت سینما به‌منزله دختر زیبایی خواهد شد که حتی در محله خود امنیت ندارد و به خاطر «نه»گفتن به کسی مورد تعرض واقع می‌شود.

■ از اینکه در جشن خانه سینما از شما تقدیر شد، چه نظری دارید؟

سپاسگزارم. فقط نمی‌دانم دوستان چه دیدی نسبت به فیلم‌های من داشتند که بنده را شایسته دریافت این جایزه دانستند.

کیانوش عیاری، کارگردان «خانه پدری»:

با متهه سینما می‌توان تا اعماق رفت

راهنمای فشرده مهار بحران در سینمای ایران

شهرام مکری
کارگردان سینما

۱-مهمترین بحران اخیر سینمای ایران در عدم تناسب هزینه تولیدفروش فیلم‌هاست. تا سال‌های سال اگر از آنجا که قیمت تمام‌شده یک فیلم با تعداد تماشاگر سینمای ایران در تناسب قرار داشت، کسی متوجه مشکل اصلی سینمای ما که همان دولتی‌بودن آن است، نمی‌شد. فیلم‌ها با پول دولت ساخته می‌شدند و همین تعداد تماشاگر فعلی سینمای ایران برای برگرداندن این پول کافی بود. اما از روزی که دستمزدها همسو با نرخ تورم بالا رفت و هزینه‌های روزانه تولید، از حمل‌ونقل تا خودخوراک، سه‌چهارپرابر گذشته شده بود، هیچ فیلمی بدون کمک‌های دولت نمی‌توانست روی پای خود بایستد و همین باعث شد که همه فیلمسازان، نگاهشان به‌دست دولت باشد و تصور کنند که هر مشکل فیلم می‌سازند و ملت هم که لابد همین یک‌هفته‌ای هستند که در خوشبینانه‌ترین شکل ممکن فیلم‌های آنها را در سالن‌ها می‌بینند.

واحد اول کوتاه‌مدت: بلندمدت و البته دور از دسترس: اکران فیلم خارجی، همزمان با سینماهای دنیا و البته بدون سانسور.

۲-مشکل دیگر سینمای ایران اکران‌نکردن فیلم‌های روز دنیاست. این موضوع باعث شده تماشاگران از دیدن فیلم‌های موردعلاقه‌شان در سالن‌های سینما منع شوند و به‌همین دلیل از سال‌ها دور باشند و سینمای ایران را جزیره‌ای انحصاری در اختیار سینمایی‌سازانش فرض کنند. پس به‌راحتی به سالن‌ها پشت نمی‌کنند که البته حق طبیعی آنهاست. از طرف دیگر، تجاری‌سازان سینمای مادر میدانی بدون کیفیت تصور کنند که هر مشکل فیلم می‌سازند و ملت هم که لابد همین یک‌هفته‌ای هستند که در خوشبینانه‌ترین شکل ممکن فیلم‌های آنها را در سالن‌ها می‌بینند.

واحد اول کوتاه‌مدت: احتمالا باید هزینه تولید فیلم‌ها پایین‌تر بیاید که این تنها با فیلم‌های کوچک‌تراساختن و استفاده از عوامل ارزان‌تر و تعداد روزهای فیلمبرداری کمتر و کارهایی از این دست، اتجامندنی است.

واحدهال‌های دور از دسترس: می‌توان به سمت ساخت فیلم‌های بسیار پرهزینه رفت، برای آنها تبلیغات فراوان کرد تا حداقل ۱۰میلیون تماشاگر به سینما آورد و آنگاه با بلاک‌باستر‌های پول‌ساز روتق بیشتری به سینماها داد. این واحل به‌دلیل نیاز به سالن‌های سینمای ممتاز، سیستم ستاره‌سازی، آزادی در تبلیغات و پرداختن آزادانه به موضوعات دلخواه، خلاقیت در شیوه‌های ارایه فیلم و... فعلا دور از دست خواهد بود.

۳-مشکل بزرگ بعدی سینمای ما عدم‌آموزش صحیح برای تازه‌واردانش است. ما همان‌قدر که نیاز به فیلمساز خوب داریم، نیاز به مدرس خوب هم در عرصه فیلمسازی داریم. فیلمسازی امروز دنیا یک علم و عجیب است که هیچ مدیر سینمایی و مسوولی در این زمینه ایده یا برنامه‌ای ندارد. دانش‌آموختگان سینما در جزیره‌ای جدا آموزش می‌بینند و برای فیلمسازی به جزیره‌ای دیگر برده می‌شوند. این است که فیلمسازی ایرانی هنوز در گیر آموزش سینمابه‌سینه و سنتی است و با این روش نمی‌توان تولید قدم روبه‌جلو را داشت.

واحد کوتاه‌مدت و بلندمدت و قابل انجام: بازنگری در امر آموزش در دانشگاه‌ها، مدارس سینمایی و استفاده از زبان بین‌المللی و مدرسان شناخته‌شده جهانی در آموزش.

شمار چهار و پنج این فهرست برای من یکی است و آن به بحران عدم‌اعتماد به جشنواره‌ها و سینمای بین‌الملل برمی‌گردد. تا وقتی که ما فکر کنیم تمام هدف سینمای دنیا چه در برگزاری فستیوال‌ها و چه در تولیانشان، ضربه‌زدن به ملت ایران است، نمی‌توانیم از سینما قدرت بیریم و با این همه خشم و نفرت از تولیدات سینمایی در دنیا و فستیوال‌های بین‌المللی، تبدیل به جماعت پر از کینه‌ای می‌شویم که تولید فیلم برای خودمان هم لذتبخش نخواهد بود. باید سینما را دوست داشته باشیم تا بتوانیم برای بیرون‌رفتن از مشکلاتمن راهی بیابیم. با کوهی از بغض‌وغضب، این امکان‌پذیر نخواهد بود.

مساله

راه حل

حال سینمای ایران خوب می‌شود؟